

استاد می‌بخشید پاچه شلوارتان رفته توی جوراب‌تان!

آن قدر عجله داشتم که متوجه نشدم پاچه شلوارم رفته توی جورابم. وقتی فهمیدم که توی کلاس [فیلمنامه نویسی](#) یکی از هنرجویان از سر جایش بلند شد و کاغذی را گذاشت روی میزی که پشتش نشسته بودم و با خط خوشی نوشته بود: استاد می‌بخشید پاچه شلوارتان رفته توی جوراب‌تان! بعد هم چند بیخشید دیگر گذاشته بود پشت جوراب‌تان. کاغذ را که خواندم بلند شدم و طوری که همه بشنوند گفتم: اه پاچه شلوارم رفته تو جورابم! ممنون که خبرم کردی! بعد هم پاچه را در حالی که همه می‌خندیدند از جورابم بیرون کشیدم.

کلاس که تمام شد، هنرجوی مودب کنارم ایستاد و برایم توضیح داد که برای حفظ آبروی من آن کار را کرده! از او تشکر کردم و گفتم تو تنها کسی نبودی که متوجه پاچه شلوارم شدی. دیگران هم دیده بودند. اگر پاچه شلوار آبرو بر است باید قبلاً به فکرش بودم. میدانم که حکایت پاچه شلوارم شباهتی به اتفاقی که برای الناز رکابی افتاد، ندارد.

اما موضع‌گیری بعضی‌ها درباره آن بپرط با نگاه نادرست به آبرو بری نیست. منظورم کسانی است که با حمله کلامی به اقدام او در پی برخورد قهرآمیز با وی شده‌اند. برخوردی که گمان نمی‌کنم نزد بسیاری از همفکران منصفشان هم جایی داشته باشد. وصل اقدام فردی یک فرد به آبروی نظام نشان از هر چه باشد حکایت از درایت و آزاداندیشی و وفاداری به نظام ندارد.

شاید اگر وقتی اختلاس‌های کلان انجام می‌شود به کار بردن یک چنین جملاتی (آبروی نظام را برد!) با معنا تر و پذیرفتنی‌تر باشد. اما در مورد این قهرمان ورزشی چنین نیست. قهرمانی که پیش از این اقدامش با تایپ نام کوچکش در جست‌وجوگر اینترنت نام بازیگر سرشناس سینما در اولویت قرار می‌گرفت، اما پس از این عملش بی‌آنکه مدالی بیاورد در صدر قرار گرفت. تا زمانی که تعریف درستی از آبروی خود، خانواده، حکومت، نظام و... نداشته باشیم قادر به حفظ آن نیستیم. برابر دانستن دیدگاه‌های خودمان با کلیت یک تفکر، مذهب، حکومت و... تنها کاری که می‌کند تنزل آن باور به خواسته‌ها و اراده‌های شخصی است.

باورها و اراده‌هایی که در برخی موارد به دلیل عدم درایت، کوه فکری، باورهای سطحی، خودباوری کاذب و... نتیجه‌ای جز دفاع بد را

به دنبال نخواهد داشت. دفاع بدی که ناخواسته آدمی را تبدیل به فردی در مقابل آن باور قرار می‌دهد. شاید به خاطر همین بهتر است، بعضی وقتها، بیشتر از بازیکنان حریف مراقب بازیکنان خودی باشیم که غیر از خودباوری کاذب، چیز دیگری در چنته ندارند.

*حسن لطفی - فعال حوزه سینما